



Wakawi Sakhtari Hamgray and Wagaray Athar of the Qur'an The Ismat of the Prophet

rezaghaseminejad ^{a*}, Hussein Andalib ^b, Seyyed Amir Sakhoutian^c

^a Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran
r.ghaseminejad@iau.ac.ir

^b Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. hoseinandalib@iau.ac.ir

^c Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iransekhavatian@iau.ac.ir

KEYWORDS

Vagray
Hamgray
Qur'anic works
Ismat of the Prophet

ABSTRACT

The infallibility of the prophets is one of the fundamental and influential issues in Islamic theology, the nature and scope of which have long been matters of disagreement among Muslim scholars and followers of different Islamic schools of thought. For this reason, numerous works have been produced by theologians and Qur'anic exegetes from the past to the present, presenting a wide range of perspectives on the subject. Nevertheless, the fundamental question remains whether these works have been developed on the basis of a systematic, coherent, and uniform approach.

Using a descriptive-analytical method and consulting a wide range of library sources, this study examines the convergences and divergences among these works. The findings indicate that Qur'anic studies on the infallibility of the prophets, despite sharing fundamental commonalities, exhibit profound methodological and substantive differences. On the one hand, Qur'anic scholars share common ground in such aspects as relying on key Qur'anic verses, emphasizing the infallibility of the divine prophets, and addressing common objections. Even from a structural perspective, a degree of repetition in research patterns is evident across these works. On the other hand, significant differences exist in their interpretations, including divergent understandings of the context of Qur'anic verses, disagreements regarding the authority of transmitted traditions as evidence, and the adoption of different exegetical methodologies.

Furthermore, fundamental differences between Shi'i and Sunni Qur'anic scholars concerning the definition, scope, and dimensions of infallibility, together with the limited number of comparative studies involving other religions, have led to the emergence of conflicting interpretations of the doctrine of infallibility. Therefore, although the core of the discussion is shared by all these works, their methodological and substantive differences have resulted in divergent conclusions and interpretations.

* Corresponding author.

E-mail address: r.ghaseminejad@iau.ac.ir

Received: 2026/5/30; Received in revised form: 2026/6/14; Accepted: 2026/6/20

DOI: 10.22034/rtmr.2026.2090156.1146





نوع مقاله : پژوهشی

واکاوی ساختاری همگرایی و واگرایی آثار قرآنی عصمت انبیا

رضا قاسمی نژاد^{الف*}، حسین عندلیب^ب، سید امیر سخاوتیان^ج

^{الف} استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران r.ghaseminejad@iau.ac.ir

^ب استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران hoseinandalib@iau.ac.ir

^ج استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران sekhavatian@iau.ac.ir

چکیده	واژگان کلیدی
عصمت پیامبران از مباحث بنیادین و تأثیرگذار در حوزه کلام اسلامی است که ماهیت و گستره آن از دیرباز محل اختلاف میان اندیشمندان و پیروان مذاهب اسلامی بوده است. به همین دلیل، از گذشته تاکنون آثار متعددی از سوی متکلمان و مفسران در این زمینه نگاشته شده و دیدگاه‌های گوناگونی مطرح گردیده است. با این حال، پرسش اساسی این است که آیا این آثار بر پایه رویکردی روشمند و منسجم و یکسان سامان یافته‌اند یا خیر؟ این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با مراجعه به منابع متعدد کتابخانه به ارزیابی همگرایی و واگرایی این آثار می‌پردازد، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که آثار قرآنی عصمت انبیا، با وجود اشتراکات بنیادین، دارای «افتراقات روش‌شناختی و محتوایی» عمیق هستند. از یک سو، قرآن پژوهان در مواردی همچون استناد به آیات کلیدی، تأکید بر عصمت پیامبران الهی و بررسی شبهات رایج، هم‌پایه هستند و حتی از نظر ساختاری، نوعی تکرار الگوها در این آثار مشهود است. از سوی دیگر، شکاف‌های جدی در قرائت‌ها وجود دارد؛ از جمله تفاسیر متفاوت از سیاق آیات، اختلاف در حجیت مستندات روایی، و بهره‌گیری از روش‌های تفسیری ناهمگون. علاوه بر این، تفاوت‌های بنیادین میان قرآن پژوهان شیعه و اهل سنت در تعریف قلمرو و ابعاد عصمت، و همچنین محدود بودن بررسی‌های تطبیقی با سایر ادیان، موجب گردیده تا قرائت‌های متضادی از موضوع عصمت پدید آید. بنابراین، در حالی که هسته اصلی بحث در همه آثار مشترک است، تفاوت‌های روش‌شناختی و محتوایی، باعث شده است تا نتایج و تفسیرهای نهایی از هم فاصله بگیرند.	واگرایی همگرایی آثار قرآنی عصمت انبیا تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۳/۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۳/۳۰

۱. مقدمه

* Corresponding author.

E-mail address: r.ghaseminejad@iau.ac.ir

Received: 2026/5/30; Received in revised form: 2026/6/14; Accepted: 2026/6/20

DOI: 10.22034/rtmr.2026.2090156.1146



انسان قرن بیست و یکم در تلاش است نسبت خود با دینداری را به گونه‌ای بنیادین بازتعریف کند. به بیان دیگر، تحولات ژرف و شتابان جهان معاصر به سمتی پیش می‌رود که نوعی صورت‌بندی نوین از دینداری ابراهیمی بر سبک زندگی انسان امروز غلبه خواهد یافت. در این فرایند، اندیشه‌ای موفق‌تر خواهد بود که بتواند مؤلفه‌های دینی و ساختار دینداری خود را با زبانی نو و در قالبی متناسب با شرایط جدید بیان کند. در ادیان ابراهیمی، آموزه‌های بنیادین همچون توحید، نبوت و معاد از مهم‌ترین مؤلفه‌ها به شمار می‌روند؛ از این رو ضرورت دارد این آموزه‌ها بار دیگر مورد بازخوانی قرار گیرند. هرچند بررسی همه این مؤلفه‌ها از دامنه یک پژوهش محدود فراتر می‌رود، می‌توان بخشی از آن‌ها را به عنوان موضوعی پژوهشی بازخوانی و تحلیل کرد. در همین راستا، مسئله عصمت انبیای الهی یکی از کلان‌ترین و مهم‌ترین مباحث اعتقادی و کلامی در تاریخ اندیشه متفکران مسلمان است. متکلمان فریقین درباره ماهیت، منشأ، مبانی، ادله و گستره عصمت دیدگاه‌های گوناگونی مطرح کرده‌اند و کمتر کتاب کلامی را می‌توان یافت که در آن سخنی از وجوب، جواز یا حتی انکار عصمت انبیاء به میان نیامده باشد. از میان این مباحث، گستره عصمت انبیاء از منظر قرآن کریم جایگاهی بنیادین و دامنه‌ای گسترده دارد. تعدد مکاتب کلامی و روش‌های تفسیری سبب شده است که آراء و دیدگاه‌های متنوعی در این زمینه شکل گیرد. این موضوع در میراث قرآنی و اسلامی همواره مورد توجه مفسران و اندیشمندان قرار داشته و آثار متعددی از جمله کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات در این باره نگاشته شده است. مهم‌ترین پرسش در این زمینه آن است که آیا این آثار بر اساس معیارهای یکسان و با نتایج یکسان به موضوع پرداخته‌اند یا خیر؟ بنابراین، پژوهش با توجه به اهمیت و جایگاه مسئله، به ارزیابی همگرایی و واگرایی این آثار می‌پردازد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه مطالعات پراکنده‌ای از جمله فتح‌الله نجارزادگان در پژوهش «تحلیل ساختاری آیات موهم خلاف عصمت» (۱۳۹۱)، بر نقش کلیدی سیاق در تبیین تکرر معنایی آیات تأکید ورزیده است. همچنین محمدباقر سعیدی‌روشن در اثر «عصمت انبیا در قرآن و شبهات مخالفان» (۱۳۹۳)، با نگاهی نوین به واکاوی معناشناختی صیانت الهی پیامبران به بررسی تطبیقی مباحث کلامی فریقین پرداخته‌اند، اما تمرکز اکثر آنها یا صرفاً بر جنبه‌های تفسیری آیات بوده و یا به مقایسه نظریات متکلمان بدون واکاوی ساختاری آثار قرآنی محدود شده است. در میان این پژوهش‌ها، کمتر اثری به «تحلیل روش‌شناختی اشتراکات و افتراقات» در آثار نگاشته شده پیرامون عصمت انبیا با رویکردی یکپارچه پرداخته است. لذا مطالعات پیشین عمدتاً به توصیف دیدگاه‌های شیعه و سنی‌بسنده کرده‌اند و از تبیین چرایی «واگرایی در معنا» علی‌رغم «وحدت در مبنا» و تأثیر پیش‌فرض‌های کلامی بر این واگرایی غافل بوده‌اند. همچنین، بررسی‌های انجام شده در حوزه تطبیقی عصمت، فاقد یک چارچوب ساختاری منسجم برای سنجش انسجام یا گسست در استنادات و روش‌های تفسیری مفسران هستند. از این رو، خلأ پژوهشی اصلی، فقدان مطالعه‌ای است که با واکاوی دقیق متون، رابطه‌ی میان اشتراکات ظاهری و افتراقات بنیادین را در آثار

قرآنی عصمت تبیین کند. این پژوهش دقیقاً به پر کردن این شکاف پرداخته و با رویکردی ساختاری، ریشه‌های واگرایی و همگرایی در قرائت‌ها را مورد تحلیل قرار می‌دهد.

۲. مفهوم شناسی

واژه‌شناسان، لغت «عصمت» را در معانی منع و بازداری (زبیدی، ۱۴۱۴، ص ۳۹۹؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ص ۳۱۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ص ۴۰۳؛ ابن‌فارس، ۱۴۲۰، ص ۳۳۱؛ فیروزآبادی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۱) و نیز در معنای امساک و خودداری (راغب، ۱۴۰۴، ص ۳۳۶؛ فیومی، ۱۳۹۷، ص ۴۱۴؛ جوهری، ۱۴۰۷، ص ۱۸۶) به کار برده‌اند. در قرآن کریم نیز واژه «عصمت» و مشتقات آن در معنای بازدارندگی از گناه یا عذاب پروردگار و حفظ از خطر به کار رفته است؛ معنایی که با همان مفهوم لغوی عصمت مطابقت دارد (طیب حسینی، جعفری، داداش‌نژاد، ص ۶۳).

بررسی مفهوم عصمت در اصطلاح نشان می‌دهد که با توجه به مبانی متفاوت دانشمندان اسلامی، تعاریف گوناگونی برای آن ارائه شده است و هر اندیشمند بر اساس دیدگاه خاص خود، تعریف ویژه‌ای مطرح کرده است. مشهورترین دیدگاه‌ها از سوی سه مکتب معروف کلامی یعنی اشاعره، معتزله و امامیه ارائه شده که در نهایت به دو مبنای اصلی بازمی‌گردند: جبرگرایی از سوی اشاعره و اختیارگرایی از سوی معتزله و امامیه (احمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۳). بر اساس مبنای جبرگرایی اشاعره، عصمت چنین معنا می‌شود: «وَهِيَ عِنْدَنَا أَنْ لَا يَخْلُقَ اللَّهُ فِيهَا ذَنْبًا»؛ یعنی عصمت از دیدگاه آنان آن است که خداوند گناه را در وجود معصومین نمی‌آفریند (ایجی، ۱۳۲۵، ص ۱۸۱-۲۸۱). وبر اساس مبنا اختیار گرایی، قاضی‌عبدالجبار معتزلی می‌گوید: «العصمة... وقد صار بالعرف عبارة عن لطف يقع معه الملطوف فيه لا محالة حتى يكون المرء معه كالمندفع الي أن لا يرتكب الكبائر، ولهذا لا يطلق إلا على الأنبياء أو من يجري مجراهم». به بیان دیگر، عصمت در عرف لطفی است که با تحقق آن، شخص حتماً از ارتکاب گناه - چه کبیره و چه صغیره - بازداشته می‌شود و به همین دلیل تنها درباره انبیا یا کسانی که در مسیر آنان هستند به کار می‌رود (قاضی‌عبدالجبار، ۱۳۸۴، ص ۷۸۰). و نیز سید مرتضی، فقیه و متکلم شیعه، می‌گوید: «اعلم أن العصمة هي اللطف الذي يفعلته تعالى، فيختار العبد عنده الامتناع من فعل القبيح»؛ بدان که عصمت لطفی است که خداوند در مورد بنده خود انجام می‌دهد و به واسطه آن انسان از ارتکاب فعل قبیح امتناع می‌ورزد. علامه طباطبایی در تعریف عصمت می‌نویسد: «و نعني بالعصمة وجود أمر في الإنسان المعصوم يصونه عن الوقوع فيما لا يجوز من الخطأ أو المعصية»؛ مقصود ما از عصمت، وجود نیرویی در انسان معصوم است که او را از افتادن در آنچه روا نیست - چه خطا و چه گناه - حفظ می‌کند. او در جای دیگر نیز بیان می‌کند: «هي صورة علمية نفسانية تحفظ الإنسان من باطل الاعتقاد و سيئ

العمل» عصمت، صورتی علمی و نفسانی است که انسان را از باور نادرست و عمل ناپسند نگاه می‌دارد. «طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۶۷). با بررسی دقیق تعاریف ارائه شده، روشن می‌شود که همه دانشمندان، عصمت را نوعی پاکی و مصونیت از آلودگی به گناه دانسته‌اند؛ هرچند در ماهیت و گستره آن اختلاف نظر وجود دارد. این اختلافات عمدتاً از تفاوت در منشأ و مبانی فکری سرچشمه می‌گیرد و نشان‌دهنده تنوع رویکردهای کلامی در تبیین این اصل بنیادین است.

۳. واکاوی ساختاری آثار قرآنی عصمت انبیا

۳.۱. همگرایی و اشتراکات آثار قرآنی عصمت انبیاء

نگاشته‌های قرآنی پیرامون موضوع عصمت انبیا، علی‌رغم تفاوت در دیدگاه‌ها، از ابعاد کمی و کیفی دارای وجوه مشترک و ساختاری نزدیک به هم هستند. این آثار در سازمان‌دهی مباحث و رویکردهای پایه‌ای، همگرایی‌های قابل توجهی نشان می‌دهند که حاکی از یک چارچوب کلی مشابه در تحلیل این مسئله است. بررسی دقیق این متون، الگوهایی را آشکار می‌سازد که نشان‌دهنده پیوستگی میان استنادات و روش‌های به کار رفته در آن‌هاست. این شباهت‌ها در نهایت منجر به ایجاد یک فضای گفتمانی واحد در تبیین عصمت شده است.

۳.۱.۱. اتفاق نظر و تأکید مشترک بر عصمت انبیا

آثار قرآنی بر این مسئله اتفاق نظر دارند که پیامبران از خطا و گناه معصوم هستند. افزون بر این، بر عصمت پیامبران نیز تأکید کرده و آن را از ضروریات نبوت دانسته‌اند. مؤلفان این آثار معتقدند که پیامبران از خطا و گناه معصوم‌اند و وظیفه دارند پیام الهی را به درستی و بدون هیچ‌گونه تغییر به مردم ابلاغ کنند. بنابراین، اگرچه صاحبان این آثار —چه از اهل سنت و چه از شیعیان— درباره ابعاد و گستره عصمت پیامبران اختلاف نظرهای و گفت و گوهای دارند، اما در اصل عصمت انبیا در مسئله وحی اتفاق نظر داشته و بر آن تأکید کرده‌اند. از مشهورترین آثار می‌توان به تبیان شیخ طوسی، تفسیر طبری، تنزیه الانبیاء سید مرتضی، تنزیه الانبیاء فخر رازی، منشور جاوید سبحانی، مردانی شبیه ما میرباقری، المیزان طباطبایی و... اشاره کرد.

۳.۱.۲. استناد به آیات مشخص

بسیاری از آثار تفسیری و کلامی برای اثبات عصمت پیامبران به آیات مشخصی از قرآن کریم استناد کرده‌اند. از جمله، آیات اصطفاء (ال عمران/ ۴۳) و اجتناء (مریم/ ۵۸) که به برگزیدگی و انتخاب پیامبران از سوی خداوند اشاره دارد و نشان می‌دهد آنان جایگاهی ویژه در هدایت بشر دارند. همچنین آیات مربوط به اخلاص بیانگر

آن است که پیامبران از بندگان مخلص خدا هستند و در برابر انحراف مصون‌اند (یوسف/۲۴). دسته‌ای دیگر از آیات به مسئله‌ی هدایت الهی پیامبران پرداخته و روشن می‌سازند که آنان با هدایت مستقیم خداوند از گمراهی محفوظ می‌مانند (یس/۶۰-۶۲). افزون بر این، قرآن کریم اطاعت از پیامبران را واجب می‌داند (نسا/۶۴) و با ذکر نظارت الهی بر رسالت آنان (جن/۲۶-۲۸) بر مصونیت پیامبران در ابلاغ وحی تأکید می‌کند (معرفت، ۱۳۸۶، ص ۷؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۹۸؛ نقی‌پور، ۱۳۸۱، ص ۳۳۹-۳۴۵).

از دیگر شواهد قرآنی، آیات مربوط به منعم‌علیهم بودن پیامبران (نسا/۶۹) و نیز هدف از ارسال رسولان، یعنی اتمام حجت بر مردم است (نسا/۱۶۵). همچنین آیات مربوط به رضایت کامل خداوند از پیامبران (مریم/۵۴)، تطهیر اهل بیت (احزاب/۳۳)، و حیانی بودن سخنان پیامبر (نجم/۳-۴) و اطاعت از اولی الامر همراه با اطاعت از خدا و رسول (نسا/۵۹) همگی در راستای اثبات عصمت آنان تفسیر شده‌اند.

۳.۱.۳. اتفاق نظر بر جایگاه الهی پیامبران

اکثر آثار قرآنی و تفسیری، بر نقش الهی پیامبران و وظیفه اساسی آنان در هدایت انسان‌ها و ابلاغ پیام الهی تأکید دارند. این آثار بر این باورند که عصمت پیامبران، لازمه‌ی تحقق این مأموریت الهی است و بدون آن، اعتماد به پیام و الگو بودن آنان دچار خدشه می‌شود. در این راستا، مجموعه‌ای از آثار برجسته به بررسی و تبیین مفهوم عصمت پرداخته‌اند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

کتاب تنزیه الانبیاء اثر سید مرتضی، از نخستین منابع قرآنی و کلامی شیعه در دفاع از عصمت انبیاء؛ عصمه الانبیاء از فخر رازی، با رویکردی متفاوت از منظر اهل سنت؛ عصمه الانبیاء فی القرآن الکریم نوشته احمد وجیه، با تمرکز بر تحلیل آیات قرآنی و العصمه: بحث مفصل فی عصمه الانبیاء والائمة (علیهم السلام) اثر احسائی، به بررسی عصمت در گستره پیامبران و امامان پرداخته است؛ کتاب تفسیر «من وحی القرآن» اثر سید محمد حسین فضل‌الله؛ عصمت انبیاء و رسولان (علیه السلام) اثر علامه عسکری؛ منشا عصمت، نوشته ی‌علی ربانی گلپایگانی؛ عصمت از منظر فریقین نوشته‌ی حسینی میلانی، که دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت را مقایسه می‌کند؛ عصمت در قرآن از حیدری، با رویکردی تفسیری و واژه‌شناسانه؛ عصمه الانبیاء فی القرآن الکریم اثر آیت‌الله سبحانی، که با استناد به آیات، شبهات مربوط به خطاهای انبیاء را پاسخ می‌دهد؛ و همچنین صحیفه عصمت تألیف شریفی و یوسفیان، که مجموعه‌ای از مقالات علمی در این حوزه را دربر دارد.

۳.۱.۴. برداشت‌های یکسان از روایات

در آثار قرآنی و تفسیری که به تبیین عصمت پیامبران پرداخته‌اند، مجموعه‌ای از روایات معتبر از اهل بیت (علیه السلام) و منابع اهل سنت مورد استناد قرار گرفته‌اند تا مفهوم عصمت را از منظر وحی و سنت اثبات کنند. از جمله؛ روایت *إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا مَعْصُومًا* از امام صادق (علیه السلام): که این روایت در آثار تنزیه الانبیاء اثر سید مرتضی (علم الهدی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۵) و عصمه الانبیاء فی القرآن سبحانی (سبحانی،

۱۴۲۰، ص ۸۶) - برای اثبات عصمت مطلق پیامبران مورد استناد قرار گرفته است. روایت «إِنَّ اللَّهَ يَجْعَلُ النَّبِيَّ مَعْصُومًا لِيَتِمَّ حُجَّتُهُ» از امام باقر (علیه السلام) در آثار احسایی (احسایی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۱۵) و شریفی و یوسفیان (یوسفیان، شریفی، ۱۳۹۰، ص ۶۵)، به عنوان دلیل عقلی و نقلی بر ضرورت عصمت برای تحقق حجت الهی ذکر شده است. روایت «-النبي لا يفعل ما يوجب الملامة» از امام رضا (علیه السلام) در کتاب عصمت در قرآن از حیدری (حیدری، ۱۳۸۸، ص ۹۶-)، برای اثبات عصمت در رفتارهای فردی و اجتماعی پیامبران آورده شده است. روایت از امام علی (علیه السلام) در آثار احمد وجیه (احمد، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۹۷) و سبحانی، در تفسیر آیه «-لقد كان في رسول الله أسوة حسنة» اسوه حسنه برای اثبات الگو بودن پیامبر اسلام (صلی الله علیه واله وسلم) و لزوم عصمت او به کار رفته است. حدیث ثقلین «إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، كِتَابَ اللَّهِ وَ عُرَّتِي» از پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) در آثار احسایی (احسایی، ۱۴۰۸ق، ص ۸۹) و حسینی میلانی (حسینی میلانی، ۱۳۸۹، ص ۵۹)، برای اثبات عصمت اهل بیت و استمرار عصمت در حجت‌های الهی پس از پیامبر اسلام (صلی الله علیه واله وسلم) مورد استفاده قرار گرفته است. و روایت «إِنَّ اللَّهَ لَا يَجْعَلُ حُجَّتَهُ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا مَعْصُومًا» از امام صادق (علیه السلام) در کتاب عصمت از منظر فریقین اثر حسینی میلانی (همان) به عصمت پیامبران استناد شده است. از اهل سنت روایت «إِنَّ اللَّهَ عَصَمَنِي» از پیامبر (ص) در کتاب عصمه الانبياء فخر رازی برای اثبات عصمت پیامبر اسلام (صلی الله علیه واله وسلم) در مقام تبلیغ و دریافت وحی ذکر شده است. روایت «الأنبياء لا يخطئون في التبليغ» از پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) در آثار اهل سنت، مانند فخر رازی (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۷۵) برای اثبات عصمت در مقام رسالت و ابلاغ پیام الهی مورد استناد قرار گرفته است. علامه طباطبایی نیز در تفسیر آیات یک و دو سوره فتح، به روایات مرتبط با آن توجه داشته است؛ برای مثال در روایتی آمده است مامون از امام رضا پرسید: یابن رسول الله، آیا سخن شما نیست که پیامبران معصوم اند؟ حضرت فرمود: آری! سپس پرسید: پس این آیه را توضیح بده «يَغْفِرُ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ» (فتح/۲) امام رضا (علیه السلام) فرمود: این عقیده مشرکان مکه بود که پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) آنان را به توحید فراخواند و با بت های آنان به مبارزه برخاست و آنان او را از گناهکاران برشمردند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۸۳) شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا در دوباب، دو روایت را نقل کرده که در آنها از امام رضا درباره عصمت پیامبران پرسیده شده است. روایت اول از اباصت هروری نقل شده است در این روایت محمد بن جهم براساس پنج ماجرای قرآنی پرسش هایی را از امام رضا درباره عصمت پیامبران پرسیده است: ماجرای عصیان حضرت آدم، یونس، یوسف، داوود، ازدواج پیامبر با زینب و در روایت دوم راوی محمد بن جهم و پرسش گر مامون است مانند روایت قبلی پرسش هادراین روایت نیز بر اساس قرآن کریم شکل گرفته اند با این تفاوت که تعداد پرسش ها از ۵ به ۱۳ مورد افزایش یافته است: ماجرای آدم و فرزندان به آدم و حوا، ابراهیم و ربوبیت ستاره و ماه و خورشید، زنده شدن مردگان، کشته شدن قبطی به دست حضرت موسی، معنای گمراهی موسی، و رویت خدا، مایوس شدن پیامبران و گمان به دروغ گویی آنان، حضرت یونس، بخشش گناهان گذشته پیامبر، شرک پیامبر، ازدواج پیامبر و زینب. (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲).

۳.۱.۵. بررسی شبهات عصمت پیامبران و پاسخ به آنها

بسیاری از آثار قرآنی به بررسی شبهات و نقدهای مرتبط با عصمت پیامبران پرداخته‌اند. این آثار با طرح پرسش‌ها و ابهاماتی که در میان مفسران و مخاطبان وجود داشته، به تحلیل و پاسخ‌گویی پرداخته و با ارائه دلایل و مستندات، موضوع عصمت را تبیین کرده‌اند.

از جمله در کتاب تنزیه الأنبياء از سید مرتضی (علم الهدی، ج ۱، ص ۸۴-۱۱۸)، ۲۰ شبهه درباره‌ی پیامبران مطرح شده که ایشان با استدلال‌های عقلی و نقلی به آن‌ها پاسخ داده است. در کتاب تنزیه الأنبياء از فخر رازی (رازی، ۱۳۸۰، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۲-۷۱)، نیز ۱۵ شبهه بررسی شده که بیشتر آن‌ها ناظر به آیات قرآنی و روایات است، با تأکید بر دیدگاه اشاعره در امکان خطایا ترک اولی برای پیامبران. کتاب نور عصمت بر سیمای نبوت اثر انواری (انواری، ۱۳۸۵، ص ۱۵)، به بررسی شبهات قرآنی عصمت و پاسخ به آن‌ها پرداخته است. اثر دیگر عصمت و شبهات آن از دیدگاه قرآن و سنت از رضائیان (رضائیان، ۱۳۹۲، ص ۸۷) نیز به شبهات و نقد آنها اشاره کرده است.

بررسی برخی از آیات عتاب و رابطه آن با عصمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از منظر مفسرین مشهور فریقین نوشته عبدلی (عبدلی، ۱۳۹۸)، اثر دیگری که به شبهات و نقد آن‌ها پرداخته است. تاملی در شبهات عصمت و گستره آن نوشته قاسم ترخان نیز به موضوع شبهات عصمت و نقد آن‌ها پرداخته است.

۳.۱.۶. تکراری بودن در محتوا و ساختار

اکثر نگاشته‌های قرآنی درباره عصمت انبیاء، به سبب پیروی از یک روش و استدلال مشابه در اثبات مطالب، دارای محتوایی تکراری و شبیه به یکدیگر هستند. ساختار این آثار نیز چنان به هم نزدیک است که گاهی چنین برداشت می‌شود که برخی از آن‌ها از یکدیگر اقتباس یا نسخه‌برداری کرده‌اند. در این آثار، از نظر ساختاری و شکلی، ابتدا به تعریف لغوی و اصطلاحی عصمت پرداخته می‌شود، سپس ابعاد مختلف عصمت پیامبران مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت، شبهات مربوط به عصمت - گاه به صورت کامل و گاه تنها درباره یکی از پیامبران - تبیین می‌شود. از نظر محتوایی نیز مستندات این نگاشته‌ها عمدتاً آیات قرآنی، تعداد محدودی از روایات و دلایل عقلی است که تفاوت چشمگیری با یکدیگر ندارند (معرفت، ۱۳۸۶، ص ۷؛ سبحانی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۴۹).

۳.۲. واگرایی و افتراقات آثار قرآنی مرتبط با عصمت انبیا

تألیفات، مکتوبات و نگاشته‌های قرآنی درباره عصمت انبیاء، با وجود شباهت‌های شکلی و محتوایی فراوان، در برخی موارد دارای تفاوت‌ها و وجوه متمایزی نیز هستند. این تفاوت‌ها در روش، زاویه نگاه، نوع استدلال یا گستره - ی مباحث مطرح شده قابل مشاهده است به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳.۲.۱. تفسیرهای مختلف برخی از قرآن پژوهان از آیات

یکی از تفاوت‌های مهم آثار قرآنی، تفسیرهای گوناگون آیات است. برداشت‌های خاص برخی مفسران از آیات، که با دیدگاه‌های دیگر متفاوت است، به شکل‌گیری رویکردهای متنوعی در تحلیل مسئله عصمت انبیاء دامن زده است.

در تفسیر «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ ... قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ ...: ای پیامبر، چرا برای خشنودی همسرانت، آنچه را خدا برای تو حلال گردانیده حرام می‌کنی؟ ... قطعاً خدا برای شما [راه] گشودن سوگندهایتان را مقرر داشته است، ...» (تحریم/۱-۲). علامه طباطبایی، عتاب الهی را متوجه زنان پیامبر می‌داند؛ زیرا آنان پیامبر را برای ترک آن عمل حلال تحت فشار قرار دادند و در نتیجه، حضرت برای رعایت حال آنان سوگند یاد کرد که کاری مباح را ترک کند. بنابراین، در حقیقت گناه و سرزنش متوجه آن همسران است، نه پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه واله وسلم). براین اساس، آن حضرت معصوم و مبرا از هرگونه خطا و اشتباه است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۲۹).

اما فضل‌الله با توجه به آیات دیگر و ویژگی‌های انسانی پیامبر، شخص‌ایشان را مورد عتاب درآیه می‌داند؛ باین حال، به نظر او حضرت همچنان معصوم است. او با استناد به خصوصیات اخلاقی پیامبر - که ایشان را بسیار رؤف و مهربان معرفی می‌کند - معتقد است پیامبر (صلی‌الله علیه واله وسلم) برای راحتی همسرانش و راضی‌نگه داشتن آنان، کاری حلال را بر خود حرام کرده است. بنابراین، دراین تحلیل نیز عصمت پیامبر کاملاً محفوظ است و هیچ‌گونه احتمال خطایا گناه درباره‌ایشان مطرح نمی‌شود (فضل‌الله، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۱۹) یا در تفسیر آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» و پیش از تو [نیز] هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم جز اینکه هر گاه چیزی تلاوت می‌نمود، شیطان در تلاوتش القای [شبهه] می‌کرد. پس خدا آنچه را شیطان القا می‌کرد محو می‌گردانید، سپس خدا آیات خود را استوار می‌ساخت، و خدا دانای حکیم است». (حج/۵۲) می‌نویسد: پیامبر (صلی‌الله علیه واله وسلم) در یکی از محافل پرجمعیت قریش نشسته بود آرزو می‌کرد چیزی از جانب خدا بر او نازل نشود که مایه تنفر ورنجش آنان گردد، دراین حال سوره نجم نازل شد «وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ، مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ: سوگند به اختر [= قرآن] چون فرود می‌آید، [که] یار شما نه گمراه شده و نه در نادانی مانده». (نجم/۱-۲) و پیامبر آن را قرئت کرد وقتی به آیه «أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ: به من خبر دهید از لات و عزی» (نجم/۱۶) رسید شیطان کلمات تلك الغرائق العلی‌وان شفاعتهن لترجی رابر اوالقا کرد و پیامبر آنها را خواند سپس سوره به پایان رسید و در آخر سوره سجده کرد و همه حاضران نیز سجده کردند. ولید بن مغیره که در اثر سالمندی توان سجده کردن نداشت، خاک را به پیشانی خود رساند و بر آن سجده کرد و همگان به آنچه پیامبر تکلم کرد، خوشحال شدند و گفتند: آلهه ما برای ما نزد خدا شفاعت می‌نماید. طبری سپس می‌گوید: این سهو پیامبر (صلی‌الله علیه واله وسلم) سانحه سنگینی برای آن حضرت تلقی شد و خداوند برای تسلیت وی آیه وما ارسلناک من قبلک را نازل فرمود. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۳، ص ۱۳۱) طبق این نقل افسانه غرائیق از نگاه طبری قابل قبول است. ولی طبری در مجمع البیان در شان نزول آیه روایتی از ابن

عباس را آورده که پیامبر در حال تلاوت سوره نجم وقتی به آیه افريتتم ...رسيد شيطان در تلاوت حضرت اين جمله را القا کرد «تلك الغرائق العلی وان شفاعتهن لترجى» با اين القای شیطانی مشرکان شاد شدند و همین که رسول خدا به آیه سجده رسيد مشرکان با پیامبر به سجده رفتند وى بعد از بيان شان نزول تاويلی از سيد مرتضى می آورد که اگر اين روايت صحيح باشد محمول است بر اين که رسول خدا مشغول قرائت قرآن بود همین که به آیه «أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى» رسيد واسامی خدايان آنها را ياد کرد بعضی از مشرکين از آنجا که می دانستند عادت پیامبر عيب جویی از خدايان آنهاست پيش دستی کرده گفتند تلك و اين جمله با تلاوت پیامبر آميخته شد و سايرين تصور کردند که اين نیز از قرآن و مقدمه آشتی و سازش پیامبر با مشرکين است به اين جهت است که خداوند در اين آیه با ذکر جمله القی الشيطان... القا را به شيطان نسبت می دهد زیرا اين القا و وسوسه از طرف شيطان صورت گرفته است و طبرسی می گوید اين قول نیکو و پسندیده است. لذا طبرسی برخلاف طبری اين مساله را به پیامبر نسبت نداده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۵۳)

۳.۲.۲. اختلاف در مستندات

دلائل، قرائن و شواهدی که قرآن پژوهان برای اثبات عصمت پیامبران مورد استفاده قرار داده اند، یکسان نبوده و با یکدیگر تفاوت هایی دارد. برخی بر اساس آیات قرآن و روایات، در صدد اثبات عصمت پیامبران برآمده اند، در حالی که گروهی دیگر با استناد به آیات، روایات و قرائن مختلف، تردیدهایی را درباره گستره عصمت پیامبران مطرح کرده اند. برای نمونه، در مسئله «سهو النبی (صلی الله علیه و آله وسلم)» برخی مفسران با استناد به آیات و روایاتی، قائل به امکان سهو پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) شده اند، در حالی که گروهی دیگر با استناد به همان منابع یا تحلیل های عقلی، به طور جدی با سهو النبی (صلی الله علیه و آله وسلم) مخالفت کرده اند. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۶۰) فخر رازی در ذیل آیه الذین هم عن صلاتهم ساهون می گوید در اینکه پیامبر در نماز سهو می کرد یا نه اختلاف شده است ولی بسیاری از علما گفته اند سهو نکرد و لکن به اذن خدا کاری انجام داد که شخص سهو کننده انجام می دهد تا با اين کار سهو در نماز را برای مردم بیان کند. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲، ص ۳۰۴) شیخ صدوق با بيان روايتی از سهو در نماز معتقد است اسهائ پیامبر تنها و فقط در امور مشترک بين پیامبر و ساير انسان هانند عمل به احکام الهی است. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۶۰) جوادى آملی می گوید: نسيان در پیامبر راه ندارد و ادله کلامی، اعم از عقلی و قرآنی نسيان را از رسول خدا نفی می کند. (جوادى آملی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۸۸).

۳.۲.۳. اختلاف در روش های تفسیری

مفسران قرآن برای تبیین مفهوم عصمت از روش های تفسیری گوناگونی بهره برده اند. برخی با رویکرد کلامی به بررسی اين موضوع پرداخته و تلاش کرده اند عصمت را در چارچوب مباحث اعتقادی و اصول دين توضیح دهند. گروهی دیگر با استفاده از روش های فلسفی، عصمت را در پرتو مبانی عقلانی و فلسفی تحلیل کرده اند. در کنار اين دو رویکرد، شماری از مفسران نیز با نگاه عرفانی، عصمت را در ارتباط با سير و سلوک معنوی و مقام

قرب الهی پیامبران تفسیر کرده‌اند. این تنوع روش‌ها نشان‌دهنده گستره و عمق بحث عصمت در میان اندیشمندان اسلامی است.

سید مرتضی در تلاش است آیات مشکله در عصمت پیامبران را با ارائه‌ی تبیینی تاریخی، لغوی و کلامی به گونه‌ای تفسیر کند که با عصمت پیامبران منافات نداشته باشد (علم الهدی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۴-۱۱۸) و فخر رازی در اثبات عصمت انبیاء با روش تفسیری کلامی و عقلی به موضوع پرداخته است و با ذکر آیات عصمت به صورت عقلانی و منطقی به موضوع عصمت پیامبران ورود کرده است (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۷۲). مقاله تأملی بر آیات به ظاهر نافی عصمت انبیا و بررسی رویکرد تفسیری عارفان و متکلمان در رفع چالش پیرامون آن نوشته شهلا رحمانی و سوسن ال رسول، با رویکرد عرفانی به موضوع عصمت پیامبر پرداخته است. (رحمانی، ال رسول، ۱۴۰۱) عبدالرزاق کاشانی از مفسران بارویکرد فلسفی، در ذیل آیات ۷۶-۷۸ سوره انعام می‌گوید: برائت حضرت ابراهیم از شرک در راستای مشرب وحدت وجودی است و مشاهدات حضرت ابراهیم را بیانگر عالم درون سالک است که همواره در معرض تغییر و تحول است. داستان ابراهیم بازگو کننده حقایق کلی برای انسانهایی است که به مقام قلب و روح رسیده‌اند. (کاشانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۲۰۷).

۳.۲.۴. بررسی تطبیقی عصمت پیامبران در سایر ادیان و مذاهب بصورت محدود

برخی از آثار قرآنی به بررسی تطبیقی آموزه‌ها و دیدگاه‌های سایر ادیان و مذاهب پرداخته‌اند، در حالی که برخی دیگر تنها بر آموزه‌های اسلامی تمرکز کرده‌اند. به عنوان نمونه، مقاله‌ی «بررسی عصمت یوسف در روایات امامیه با نگاهی به قرآن و عهد عتیق» نوشته نقوی، به تحلیل عصمت حضرت یوسف از منظر روایات امامیه پرداخته و با عرضه‌ی این روایات بر قرآن و نیز مقایسه آن با گزارش‌های عهد عتیق، در صدد اثبات عصمت آن حضرت برآمده است. (نقوی، ۱۳۹۸) و کتاب بررسی تطبیقی عصمت انبیاء در قرآن و عهدین نوشته جرگانی در چهار بخش تهیه و تنظیم شده است، در بخش اول پس از بیان مفاهیم واژگانی همچون عصمت، نبی و نبوت، قرآن، عهدین، مسیح و مسیحیت؛ به بررسی پیشینه تاریخی اعتقاد به عصمت در یهود، مسیحیت و اسلام پرداخته شده و سپس فلسفه و ضرورت عصمت بازگو گردیده است. بخش دوم عصمت انبیاء در قرآن بوده، که در آن مباحثی همچون عصمت در دریافت و ابلاغ وحی، عصمت در اعتقادات، عصمت در افعال و اعمال مطرح شده و در ادامه برخی از مهمترین شبهات عصمت انبیاء و به خصوص پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در بخش سوم عصمت انبیاء در عهدین مطرح شده و از مصون نبودن انبیاء در اعتقادات و ابلاغ وحی، همچنین از نسبت دادن برخی گناهان به انبیاء در عهدین بحث می‌گردد. در بخش چهارم مقایسه تطبیقی عصمت انبیاء در قرآن و عهدین در مراحل اعتقادات، دریافت و ابلاغ وحی و عصمت عملی انبیاء یادآوری شده است. مقاله عصمت یا عدم عصمت در گزاره‌های قرآن

و عهدین نوشته شمی به بررسی عصمت یا عدم عصمت پیامبران در گزارهای قرآن و عهدین و تطبیق و مقایسه گزاره های این کتب الهی درباره عصمت انبیا پرداخته شده است.

۳.۲.۵. اختلاف نظرها درباره ابعاد و قلمرو عصمت

قرآن پژوهان و مفسران کلامی در آثار خود نسبت به ابعاد و گستره عصمت پیامبران دیدگاه ها و نظرات مختلفی را مطرح کرده اند. برخی پیامبران را معصوم از گناهان کبیره و صغیره می دانند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۱۳؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۷؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵۵). برخی فقط عصمت انبیاء از گناه کبیره را پذیرفته اند. (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۶۶) درباره گستره زمانی عصمت برخی قائل به عصمت پیامبران از زمان بعثت هستند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۷۸) و برخی دیگر به عصمت پیامبران به قبل از بعثت معتقدند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۶۲) برخی از مفسران معتقدند که عصمت پیامبران تنها در امور دینی و ابلاغ وحی است (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۷۳) در حالی که برخی دیگر معتقدند که عصمت پیامبران در تمامی جنبه های زندگی شان قابل اعمال است. (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۳۱) برخی معتقدند پیامبران می توانند مرتکب صغیره شوند. (قاضی عبدالجبار، ۱۳۸۴ق، ص ۳۸۸) برخی دیگر می گویند پیامبران در مقام عمل معصوم نیستند. (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۳۵).

۳.۲.۶. بررسی تطبیقی عصمت پیامبران از منظر مفسران مذاهب اسلامی

برخی از قرآن پژوهان در حوزه عصمت انبیا دست به نوآوری زده و مسئله عصمت را از دیدگاه مفسران شیعه و سنی مورد بحث و بررسی قرار داده اند. هرچند این رویکرد تازه و کاربردی است و می تواند نقطه آغاز مناسبی باشد، اما هنوز تا رسیدن به نتیجه مطلوب فاصله زیادی دارد؛ زیرا تعداد این آثار بسیار محدود، تکنگار و تک وجهی است. بیشترین پژوهش ها تنهابه عصمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) پرداخته اند و نسبت به عصمت دیگر پیامبران یا اقدامی نکرده اند یا تنها یک یا دو مورد را بررسی کرده اند. به عنوان نمونه، مقاله «بررسی تطبیقی عصمت پیامبر اکرم از دیدگاه ایت الله جوادی آملی و فخر رازی با محوریت آیات ۱۰۵ تا ۱۰۷ سوره نساء» نوشته برزگر و نوروزی، دیدگاه تفسیری این دو مفسر شیعه و سنی را درباره عصمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) با محوریت آیات یادشده تحلیل کرده است. مقاله نظریه پرداز تطبیقی در باب عصمت پیامبر اکرم از تاثیر گذاری بروحی نوشته کریمی و پروان ادله عقلی مفسران عقل گرای شیعه و سنی را با محوریت آیه ۱۵ یونس مورد بحث و بررسی قرار داده است. و مقاله بررسی تطبیقی گستره عصمت رسول خدا در تفسیر جامع البیان و مجمع البیان نوشته طیب حسینی، جعفری و دادش نژاد به تحلیل دیدگاه های تفسیری دو مفسر برجسته یعنی طبرسی و طبری از شیعه و سنی در باب عصمت پیامبران پرداخته است. مقاله بررسی تطبیقی دیدگاه مفسران درباره ذنب منسوب به پیامبر و ارتباط آن با عصمت پیامبر در آیه دوم سوره فتح نوشته نقیب، موسوی و سازجینی به تحلیل واژه ذنب در آیات مذکور براساس دیدگاه مفسران شیعه و سنی پرداخته است. و از پیامبران دیگر مقاله ی بررسی دیدگاه مفسران فریقین در مورد عصمت حضرت

سلیمان و پاسخ به شبهات مربوطه نوشته مظفری عصمت حضرت سلیمان از منظر مفسران فریقین واکاوی و با ادله عام و خاص به اثبات رسیده و شبهات پیرامون آن حضرت مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. و کتاب عصمت از منظر فریقین نوشته حسینی میلانی در چند بخش تدوین شده است: اهمیت و جایگاه عصمت، جایگاه عصمت در میان فرقه‌های اسلامی، لزوم عصمت از دیدگاه شیعه، ادله عصمت انبیاء (دلیل‌های عقلی و نقلی)، پاسخ به شبهات درباره عصمت انبیاء، ادله عصمت امامان (دلیل‌های عقلی و نقلی) و رد نظریه عصمت اجماع امت از جمله عناوینی هستند که در این کتاب به آنها پرداخته شده است.

۳.۲.۷. پاسخ گویی به شبهات عصمت، مبتنی بر تخصص محدود و معیارهای خاص خود

با توجه به اینکه مفسران دارای گرایش‌های تفسیری متفاوتی هستند، هریک بر اساس تخصص علمی خود در همان گرایش به شبهات مربوط به عصمت پیامبران پاسخ داده‌اند. قرآن پژوهان و مفسران کلامی با رویکرد کلامی، مفسران روایی با رویکرد روایی، عارفان با رویکرد عرفانی و فلاسفه با رویکرد عقل‌گرایانه به این موضوع پرداخته‌اند. با این حال، به دلیل محدودیت معیارها و چارچوب‌های مورد استفاده، پاسخ‌های ارائه شده غالباً جامع و همه‌جانبه نبوده است. سید مرتضی در تلاش است آیات مشکله در عصمت پیامبران را با ارائه تبیینی تاریخی، لغوی و کلامی به عصمت پیامبران حل و فصل نماید. فخر رازی در اثبات عصمت انبیاء با روش تفسیری کلامی و عقلی به موضوع پرداخته است و با ذکر آیات عصمت به صورت عقلانی و منطقی به موضوع عصمت پیامبران ورود کرده است.

مقاله تأملی بر آیات به ظاهر نافی عصمت انبیا و بررسی رویکرد تفسیری عارفان و متکلمان در رفع چالش پیرامون آن نوشته شهلا رحمانی و سوسن ال رسول با رویکرد عرفانی به موضوع عصمت پیامبر پرداخته است. عبدالرزاق کاشانی با رویکرد عرفانی در ذیل آیات (۷۶-۷۸) سوره انعام می‌گوید: برائت حضرت ابراهیم از شرک در راستای مشرب وحدت وجودی است و مشاهدات حضرت ابراهیم را بیانگر عالم درون سالک است که همواره در معرض تغییر و تحول است. داستان ابراهیم بازگو کننده حقایق کلی برای انسانهایی است که به مقام قلب و روح رسیده‌اند. مقاله دیدگاه ملا صدرا درباره عصمت انبیاء از گناه نوشته اکبری و منصوری به دیدگاه‌های فلسفی ملا صدرا در تفسیرش بر قرآن پرداخته است.

۳.۲.۸. تفاوت مبنایی قرآن پژوهان اهل سنت و شیعه در موضوع عصمت

بررسی پژوهش‌های قرآنی مربوط به عصمت انبیا که توسط دانشمندان اهل سنت و شیعه نگاشته شده است، نشان می‌دهد اختلاف و تفاوت این آثار صرفاً ظاهری و شکلی نیست، بلکه ریشه در مبانی اساسی و بنیادین دارد. برای نمونه، مطالعه تفاسیری همچون المیزان از علامه طباطبایی، التفسیر الکبیر از فخر رازی و فتح القدیر از شوکانی آشکار می‌سازد که نگاه به عصمت در میان مفسران شیعه و اهل سنت تفاوت‌های عمیق و مبنایی دارد. در سنت تفسیری شیعه، عصمت نه تنها به عنوان یک اصل کلامی پذیرفته شده، بلکه ضرورتی عقلی برای تحقق

نبوت به شمار می‌آید. از این رو، در تفسیر آیات مرتبط با عصمت، تلاش می‌شود هرگونه تعارض ظاهری میان آیات و اصل عصمت با بهره‌گیری از تأویل، تحلیل‌های فلسفی یا رویکردهای عرفانی برطرف شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۱۲) در مقابل، مفسران اهل سنت، به‌ویژه اشاعره و سلفیه، رویکرد متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند. از دیدگاه این مفسران، عصمت پیامبران تنها در محدوده دریافت و ابلاغ وحی تضمین شده است و در امور دیگر، امکان وقوع اشتباه یا حتی لغزش‌های جزئی برای آنان وجود دارد (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۴۷) این اختلاف دیدگاه به‌ویژه در تفسیر آیاتی مانند «وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» (طه/۱۲۱) و «لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ» (فتح/۲) نمود پیدا می‌کند. به عنوان مثال در میان مفسران شیعه، برخی از تفاسیر همچون تفسیر الصافی از فیض کاشانی، تأکید کرده‌اند که واژه «ذنب» در این آیات، به معنای «ترک اولی» است، نه گناه به معنای مصطلح آن. بنابراین، این آیات به هیچ‌وجه با عصمت پیامبران در تعارض نیستند. (فیض کاشانی، ج ۱، ص ۸۹) اما در تفاسیر اهل سنت، مانند تفسیر ابن کثیر، این آیات به‌عنوان شواهدی بر امکان وقوع خطای اجتهادی برای پیامبران مورد استناد قرار گرفته‌اند. (ابن کثیر، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۴۷۵).

نتیجه‌گیری

واکاوی ساختاری آثار قرآنی عصمت انبیا نشان می‌دهد این آثار در برگیرنده طیف وسیعی از همگرایی‌ها و واگرایی‌های علمی و معرفتی است. در لایه نخست، همگرایی پژوهشگران بر اصل معصومیت انبیا، استناد به آیات محوری و نقش الهی آنان به روشنی قابل مشاهده است. این آثار با تمرکز بر نقد شبهات و بهره‌گیری از روایات مشترک، ساختار و محتوایی به هم نزدیک و گاه تکراری یافته‌اند. با این حال، در سطوح تحلیلی، واگرایی‌های عمیقی در روش‌شناسی تفسیری و نوع مستندات مورد استفاده به چشم می‌خورد. تفاوت در تبیین آیات مشکله و تنوع در تعریف قلمرو و ابعاد عصمت، از اصلی‌ترین کانون‌های این واگرایی علمی است. مفسران غالباً بر اساس تخصص محدود خود (کلامی، روایی، عرفانی یا فلسفی) به شبهات پاسخ داده‌اند کمتر از جامعیت لازم برخوردار است. مطالعات تطبیقی با سایر ادیان نیز به شکلی محدود صورت گرفته و عموماً بر ساحت پیامبر خاتم (ص) متمرکز مانده است. واگرایی بنیادین میان مفسران شیعه و اهل سنت در مبانی کلامی، نشان دهنده تفاوت‌های قابل توجه در فهم برخی مفاهیم ایجاد کرده است. در حالی که روش شیعی بر ضرورت عقلی عصمت تأکید دارد، در برخی دیدگاه‌های اهل سنت تمایل به محدودسازی عصمت دیده می‌شود. این رویکردهای متمایز باعث شده تا آثار موجود، علیرغم قرابت ظاهری، از حیث تحلیل‌های مبنایی تفاوت‌هایی اساسی داشته باشند. بنابراین، منظومه فکری عصمت را می‌توان برآیندی از همگرایی در اصول و واگرایی در جزئیات و تبیین‌های روش‌شناختی دانست. این تقابل، ضرورت انجام پژوهش‌های جامع‌تر، فرامذهبی و بینارشته‌ای را برای دستیابی به تبیینی همه‌جانبه از حقیقت عصمت دوچندان می‌کند.

منابع

- قرآن

۱. زبیدی، مرتضی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر.
۲. ابن تیمیه، احمد، (۱۴۰۶ق)، منهاج السنه النبویه، بیروت، مکتبه العصریه.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۲۰ق)، تفسیر القرآن العظیم، دمشق، دار الرساله العالمیه.
۴. ابن فارس، احمد، (۱۴۲۰ق)، معجم مقاییس اللغه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
۶. احسائی، احمد بن زین الدین، (۱۴۰۸ق)، العصمه، بیروت، مؤسسه البلاغ.
۷. احمد، وجیه محمود، (۱۴۲۱ق)، عصمه الانبیاء فی القرآن الکریم، امان، دار البشائر الاسلامیه.
۸. احمدی، سلمان، «تبیین دلائل مفهوم عصمت با نگاهی به آیات قرآن»، مجله گفتمان وحی، ش ۱۷، (۱۳۹۹).
۹. انواری، جعفر، (۱۳۸۵)، نور عصمت بر سیمای عصمت، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۱۰. ایجی، عبدالرحمن بن احمد، (۱۳۲۵ق) شرح المواقف، مصر، مطبعه السعاده.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹)، وحی و نبوت در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ق)، الصحاح (تاج اللغه و صحاح العربیه)، بیروت، دار العلم للملایین.
۱۳. حسینی میلانی، سید علی، (۱۳۸۹)، عصمت از منظر فریقین، قم، الحقایق.
۱۴. حلی، حسن بن یوسف (علامه)، (۱۴۱۳ق)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۵. حیدری، کمال، (۱۳۸۸)، عصمت در قرآن، قم، دار التفسیر.
۱۶. رازی، فخر الدین، (۱۴۲۰ق)، عصمه الانبیاء، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۴ق)، مفردات الفاظ القرآن، تهران، مرتضوی.
۱۸. فیومی، احمد بن محمد، (۱۳۹۷ق)، المصباح المنیر، قم، مؤسسه دار الهجره.
۱۹. رحمانی، شهلا؛ آل رسول، سوسن، «تأملی بر آیات به ظاهر نافیه عصمت انبیا و بررسی رویکرد تفسیری عارفان و متکلمان در رفع چالش پیرامون آن»، نشریه آینه معرفت، (۱۴۰۱)، ص ۱۰۰-۱۶۸.
۲۰. رضائیان، سوره، (۱۳۹۲)، عصمت و شبهات آن از دیدگاه قرآن و عصمت، تهران، انتشارات گام معاصر.

۲۱. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۳)، منشور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
۲۲. سبحانی، جعفر، (۱۴۲۰ق)، عصمه الانبياء في القرآن الكريم، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
۲۳. شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق)، عیون اخبار الرضا، تهران، انتشارات جهان.
۲۴. شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۲۷. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان عن تأویل القرآن، بیروت، دار المعرفه.
۲۸. طیب حسینی، سید محمود، داداش نژاد، منصور، جعفری، سید سجاد، بررسی تطبیقی گستره عصمت رسول خدا (ص) در تفسیر جامع البیان و مجمع البیان، مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، (۱۴۰۰) ش ۱۶، ص ۵۹-۸۴.
۲۹. طیب حسینی، سید محمود؛ جعفری، سید سجاد؛ داداش نژاد، منصور، «بررسی عصمت پیامبر (ص) در تفسیر جامع البیان و مجمع البیان»، نشریه مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، ش ۱۶، (۱۳۹۷)، ص ۷-۳۰.
۳۰. علم الهدی، سید مرتضی، (۱۳۸۰)، تنزیه الانبیاء، تهران، انتشارات مشعر.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم، انتشارات هجرت.
۳۲. فضل الله، سید محمد حسین، (۱۴۱۲ق)، من وحی القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۳۳. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۰)، القاموس المحیط، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۳۴. فیض کاشانی، محسن، (۱۴۱۳ق)، تفسیر الصافی، قم، مؤسسه اسماعیلی.
۳۵. قاضی عبدالجبار، ابوالحسن، (۱۳۸۴ق)، تفسیر القرآن (المحیط بالتکلیف)، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۳۶. کاشانی، عبد الرزاق، (۱۴۲۶ق)، تأویلات عبدالرزاق کاشانی (تفسیر کاشانی)، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۳۷. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۸. مظفری، مریم، «بررسی دیدگاه مفسران فریقین درباره عصمت حضرت سلیمان (ع) و پاسخ به شبهات آن»، فصلنامه آلاء الرحمن، ش ۲، (۱۴۰۱)، ص ۵۱-۸۱.
۳۹. معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۶)، عصمت پیامبران، قم، انتشارات تمهید.
۴۰. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ق)، تفسیر الکاشف، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۴۱. مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، اوائل المقالات، قم، کنگره شیخ مفید.

۴۲. نقوی، حسین، «بررسی عصمت یوسف در روایات امامیه با نگاهی به قرآن و عهد عتیق»، نشریه معرفت ادیان، ش ۱۱، (۱۳۹۸)، ص ۳۳-۴۷.

۴۳. نقیب، سید محمد؛ موسوی، سید محمد؛ سازجینی، مرتضی، «بررسی تطبیقی دیدگاه مفسران درباره ذنب منسوب به پیامبر و ارتباط آن با عصمت»، نشریه مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، ش ۱، (۱۳۹۸)، ص ۷۳-۹۸.

۴۴. نقی پورفر، ولی الله، (۱۳۸۱)، پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن، تهران، صائب.

۴۵. یوسفیان، حسن؛ شریفی، احمد حسین، (۱۳۹۰)، صحیفه عصمت، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.